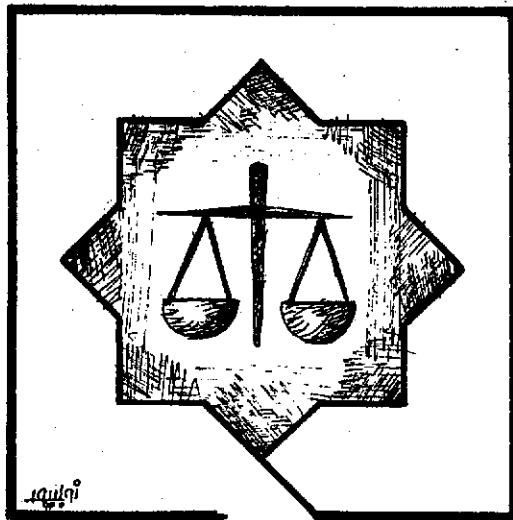


# شرح و تفسیر مواد قانون

## مجازات اسلامی

■: محمدعلی اخوت (قاضی تجدید نظر استان تهران) (قسمت یازدهم)



### نحوه تخفیف مجازات

با توجه به صدر ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی: «در صورت احراز جهات مخففه، دادگاه میتواند مجازات تعزیری یا بازدارنده را تخفیف دهد و یا تبدیل به مجازات از نوع دیگری نماید که مناسب‌تر به حال مرتکب باشد»؛ دو موضوع تخفیف مجازات، تبدیل مجازات مورد عنایت قانونگذار قرار گرفته است. تخفیف مجازات، منطقی‌اً عبارت از اینست که بدون تغییر نوع مجازات، آن مجازات به پایین‌تر از حداقل تنزل داده شود. اگر مجازات عملی قانوناً شش ماه تا سه سال حبس باشد، دادگاه می‌تواند با احراز کیفیات مخففه، مجازات کمتر از شش ماه تعیین کند. بنابراین تعیین مجازات کمتر از حداکثر و بیشتر از حداقل، تخفیف به‌شمار نمی‌آید. تبدیل مجازات، تغییر نوع مجازات برای تخفیف است. مثل اینکه مجازات شلاق به جزای نقدی تبدیل شود. به‌همین دلیل است که قانونگذار از عبارت تبدیل به مجازات از نوع دیگر که مناسب‌تر به حال متهم باشد استفاده نموده است. این

قسمت از ماده در قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱، وجود نداشت. بنابه مراتب، تبدیل مجازات در جهت تخفیف در صورتی ممکن است که به حال متهم مناسب‌تر باشد. با توجه به تصویب ماده (۷۲۸) قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۵ که مقرر می‌دارد: «قاضی دادگاه میتواند با ملاحظه خصوصیات جرم و مجرم و دفعات ارتکاب جرم در موقع صدور حکم و در صورت لزوم از مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق و مجازاتهای تکمیلی و تبدیلی از قبیل قطع موقت خدمات عمومی حسب مورد استفاده نماید»؛ این سؤال مطرح شد که آیا قاضی دادگاه می‌تواند در جهت تخفیف مجازات اصلی مبادرت به تبدیل آن به قطع خدمات عمومی کند یا خیر. این موضوع مورخ ۷۵/۷/۲۵ در جلسه کمیسیون قضائی قضات استان تهران مطرح شد که اکثریت قضات محترم چنین نظر دادند: «مقررات مربوط به تبدیل مجازات در ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ آمده است و آن تبدیل مجازات

قانونی جرم است به مجازات دیگری که مناسب‌تر به حال متهم باشد. لذا اولاً: تبدیل مجازات فقط با وجود کیفیات مخففه در ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی جایز است. ثانیاً: در تبدیل مجازات باید مجازات جایگزین شده مناسب‌تر به حال متهم باشد. به‌همین مناسبت مجازات اصلی جرم را نمی‌توان به مجازات قطع خدمات عمومی که مجازات تکمیلی است تبدیل نمود.<sup>(۱)</sup> در مقام تبدیل مجازات برای تخفیف با توجه به تقسیم مجازاتها به حدود، قصاص، دیات، تعزیرات و مجازات بازدارنده؛ اینکه بین مجازاتهای حبس، جزای نقدی و شلاق کدامیک اخف از دیگری است؛ مجازاتهای تعزیری و بازدارنده مورد توجه هستند؛ مثلاً در بیان موضوع عطف به ماسبق نشدن قوانین جزائی مطالبی بیان شد<sup>(۲)</sup> و مشخص گردید که مجازات سالب آزادی - حبس - شدیدتر از مجازات شلاق؛ و مجازات جزای نقدی از هر دوی آنها خفیف‌تر است. اداره حقوقی قسوه قضائیه

در این خصوص نظریه شماره ۷/۱۹۴۲ را  
۷۲/۳/۱۶  
بیان داشته است که ذیلاً نقل می‌شود:

«از نظر صلاحیت دادگاه، تشخیص  
مهمترین جرم بدین گونه است که اگر  
مجازات جرائم ارتكابی از یک نوع باشد  
آنکه مجازات بیشتر دارد مهمتر است و  
در صورتی که از یک نوع نباشد  
علی‌الاصول جرائمی که مجازات آنها،  
اعدام، رجم، قطع یا نقص عضو است اشد و  
مهمتر از جرائمی است که مجازات آنها  
حبس یا جزای نقدی است و مجازات  
حبس نیز اشد از جزای نقدی است و  
در مورد شلاق تعزیری و حبس، حبس  
جنایی مطلقاً و همچنین حبس جنحه‌ای  
اشد از شلاق و شلاق اشد از جزای نقدی  
است. اما در مورد شلاق به‌عنوان حد با  
توجه به آماري که در تکرار حد مترتب  
می‌شود (اعدام در مرتبه سوم یا چهارم  
حسب مورد و نوع جرم) باید گفت «جرمی  
که مجازات آن شلاق به‌عنوان حد باشد  
اشد است از جرم تعزیری که مجازات آن  
حبس یا جزای نقدی باشد»<sup>(۳)</sup>  
در مورد چگونگی تخفیف مجازات‌ها،  
رویه دادگاهها چنین است که با توجه به  
مجازات قانونی جرم، با رعایت ماده (۲۲)  
قانون مجازات اسلامی، مجازات مخفف  
تعیین می‌شود. بنابراین، تعیین مجازات  
شش ماه حبس برای مرتکب بزه سرقت به  
استناد ماده (۶۵۶) قانون مجازات اسلامی و  
سپس تبدیل آن به جزای نقدی به استناد به  
ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی؛ صحیح  
به نظر نمی‌رسد بلکه می‌بایست با ذکر ماده  
قانونی مربوط به جرم و با رعایت ماده  
بیست و دوم قانون مرقوم، مجازات  
مخفف، مشخص و تعیین شود. نظریه

شماره ۷/۱۹۴۲ اداره حقوقی نیز، مؤید  
۷۲/۳/۱۶  
این مطلب است.<sup>(۴)</sup>

### کیفیات مخففه:

کیفیات مخففه یا جهات تخفیف،  
ابزاری هستند که قاضی با استفاده از آنها با  
رعایت جنبه بازدارندگی، نسبت به تعیین  
مجازات اخف اقدام می‌کند. در واقع  
استفاده از آنها برای امر فردی کردن  
مجازات مفید است. مرحوم دکتر  
عبدالحسین علی‌آبادی در کتاب «حقوق  
جنایی»، در این باره می‌نویسد: «تطبيق  
مجازات، با شخصیت متهم علاوه بر اینکه

در مقام تبدیل مجازات برای  
تخفیف با توجه به تقسیم  
مجازات‌ها به حدود، قصاص،  
دیات، تعزیرات و مجازات  
بازدارنده؛ اینکه بین  
مجازات‌های حبس، جزای نقدی  
و شلاق کدامیک اخف از  
دیگری است؛ مجازات‌های  
تعزیری و بازدارنده  
مورد توجه هستند

دادرس را قادر می‌سازد سوابق گذشته و  
روحیات او را مورد توجه قرار دهد  
باتمسک به کیفیات مخففه میتواند عدالت  
را همانطور که وجدان عمومی خواستار آن  
است بدون اقدام و دخالت قوه مقننه در  
مسیر تحول و ترقی قرار دهد کما اینکه  
قضات فرانسوی با تمسک به آن  
توانسته‌اند تشابه مجازات شروع به جرم و  
جرم انجام یافته را که برخلاف عدالت  
است تعدیل نمایند.»<sup>(۵)</sup>

در قانون راجع به مجازات‌های اسلامی،  
کیفیات مخففه حصری نبود. با توجه به  
قسمت اخیر ماده (۲۵) قانون مرقوم  
«کیفیات مخففه که ممکن است موجب  
تخفیف مجازات شود علل و جهاتی است  
از قبیل...» که در قانون مجازات اسلامی  
مصوب ۱۳۷۰ عبارت «از قبیل» حذف  
شده، بنابراین کیفیات مخففه همان است که  
در ماده (۲۲) و یا در قوانین دیگر آمده  
است. جهات تخفیف ضمن شش بند و دو  
تبصره ذکر شده است. با توجه به ماده  
مرقوم آنها را می‌توان به ترتیب زیر  
تقسیم‌بندی کرد:

۱- جهت مزبور ممکن است مربوط به  
شخص متهم باشد.

(۱-۱) اظهارات و راهنمایی‌های متهم  
که در شناختن شرکا و معاونین جرم و یا  
کشف اشیای حاصله از جرم مؤثر باشد  
(بند ۲ ماده ۲۲). با توجه به اینکه همکاری  
متهم در کشف جرم و عاملان ارتكاب اعم  
از شریک و معاون برای اجرای عدالت و  
حفظ حقوق افراد و جامعه مؤثر است،  
قانونگذار فعل متهم را در راستای کشف  
جرم از جهات تخفیف به شمار آورده  
است.

(۲-۱) به موجب بند ۴؛ اعلام متهم قبل  
از تعقیب یا اقرار او در مرحله تحقیق که  
مؤثر در کشف جرم باشد، در واقع ادامه و  
مکمل بند قبلی است. اقرار متهم در مراحل  
فوق از به هدر رفتن منابع انسانی و مالی  
برای کشف جرم جلوگیری کرده و تسهیل  
کننده اجرای عدالت است.

(۳-۱) وضع خاص متهم یا سابقه  
او (مندرج در بند پنجم). این بند زمینه ساز  
فردی کردن مجازات است. دادگاه

با توجه به این بند، اولاً؛ به وضع خاص جسمی، روانی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب عنایت نموده است. تعیین مجازات شلاق تعزیری برای پیرمرد هفتاد ساله و یا جوان شانزده ساله، ممکن است نه تنها باز دارنده نباشد بلکه عواقب جسمی و روانی شدیدی نیز برای او در پی داشته باشد.

ثانیاً؛ منظور از سابقه فرد در امر تخفیف، در واقع نداشتن سابقه محکومیت کیفری است. دادگاه می تواند با توجه به حسن سابقه و شهرت متهم و تعیین مجازات متناسب بین «مجرمین اتفافی با مجرمین به عادت» که دارای پیشینه کیفری هستند، در تعیین مجازات تفاوت قائل شود.

(۴-۱) بند ششم، اقدام یا کوشش متهم به منظور تخفیف اثرات جرم و جبران زیان ناشی از آن. عمل متهم برای تخفیف اثرات جرم، حکایت از ندامت و پشیمانی او دارد و از طرفی آسیبهای وارد شده به مجنی علیه را به حداقل می رساند و در تسکین آلام او مؤثر است. این جهت گاه در موارد منصوص به صورت تخفیف قانونی آمده است. به موجب تبصره دوم ماده (۷۱۹) قانون مجازات اسلامی:

«در تمام موارد مذکور هرگاه راننده، مصدوم را به نقاطی برای معالجه و استراحت برساند یا مأمورین مربوطه را از واقعه آگاه کند یا به هرنحوی موجبات معالجه و استراحت و تخفیف آلام مصدوم را فراهم کند، دادگاه مقررات تخفیف را در مورد او رعایت خواهد نمود.»

همانطور که قبلاً گفتیم؛<sup>(۶)</sup> اعمال تخفیف در این تبصره برخلاف ماده (۲۲)

از طرف دادگاه اجباری است.

(۵-۱) وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم (بند سوم از ماده ۲۲).

قانونگذار در اینجا خواسته است بین ارتکاب جرم، بلحاظ انگیزه های انسانی با ارتکاب جرم یا انگیزه های شیطانی تفاوت قائل شود. اصولاً انگیزه گاه و صف مجرمانه را از بین می برد. در جرایمی که قانوناً انگیزه نمی تواند سبب رهایی از مجازات باشد، قاضی می تواند با احراز انگیزه نیکو و شرافتمندانه مرتکب،

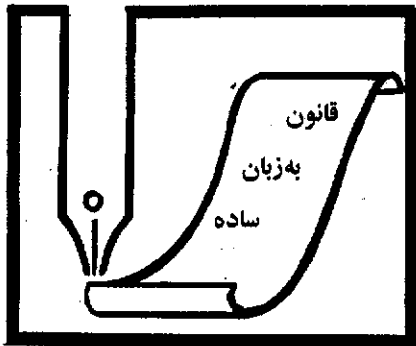


در انجام فعل مجرمانه نسبت به تخفیف مجازات اقدام کند لذا می بایست بین مجازات کسی که برای سیر کردن خانواده اش، دست به سرقت زده با کسی که مبادرت به سرقت از بانک برای بدست آوردن اموال مردم کرده است، تفاوت قائل شد. نمی توان تمام مجرمین را با یک ماده قانونی بدون رعایت تخفیف مجازات کرد، مثلاً کسی که به دلیل قرار گرفتن در حالت اضطرار، مرتکب جرم می شود تا انسانی را نجات دهد با کسی که با سوء نیت مجرمانه، مرتکب امر خلافی می گردد تفاوت دارد و برخوردار یکسان با آن دو، خلاف عدالت است.

۲- ممکن است رفتار مجنی علیه در ارتکاب جرم مؤثر باشد. به موجب بند سوم، رفتار و گفتار تحریک آمیز مجنی علیه از موارد تخفیف است. گاهی اعمال زیان دهنده از جرم، متهم را به سوی عمل مجرمانه سوق می دهد. شروع به فحاشی رکبیک از طرف قربانی جرم در بیشتر مواقع، منجر به ایراد ضرب و جرح و تخریب و سایر جرایم دیگر می شود؛ در واقع عمل مجنی علیه در تحریک متهم نوعی انگیزه سازی است. به همین دلیل است که در بند سوم انگیزه شرافتمندانه و رفتار تحریک آمیز مجنی علیه از جهات مخففه مجازات ذکر شده است و هر دوی اینها در بند سوم پس از عبارت:

«اوضاع و احوال خاصی که متهم تحت تأثیر آنها مرتکب جرم شده است از قبیل.....» عبارت «از قبیل» در اینجا دست قاضی را باز گذاشته تا امور دیگری را هم که تأثیر در روان متهم گذاشته و بر اثر تأثیر از آن امور مرتکب جرم شده است را جزو جهات مخففه قرار دهد. بنابراین، عوامل خارجی از این دست، به شرط تأثیر گذاری در ارتکاب جرم، می توانند از جهات مزبور به شمار آیند.

۳- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی، این جهت که در بند یکم ماده (۲۲) آمده است، تنها مربوط به جرائم عمومی و غیر قابل گذشت است. چه آنکه در جرایم قابل گذشت، اصولاً دادگاه با صدور قرار موقوفی تعقیب، به بایگانی شدن پرونده دستور می دهد- البته چنانچه در بخش بعد خواهد آمد- قانونگذار نسبت به جرایم قابل گذشت، نظر جدیدی اتخاذ کرده، به طوری که جرایم قابل گذشت نیز



در تبصره دوم از ماده (۷۱۹) قانون مجازات اسلامی، که براساس آن دادگاه مکلف شده است نسبت به راننده‌ای که عملش موجب صدمه بدنی شده و در راه نجات مصدوم کوشیده است، تخفیف قائل گردد. بنابراین، تبصره و یک بار نیز با استناد به ماده بیست و دوم "قانون مجازات اسلامی"، برای مجازات قانونی تخفیف قائل شود اما تخفیف از جهت دیگر با عنایت به عبارت "تبصره" ظاهراً منع نگردیده است.

**جمع بین تخفیف و تشدید:** یکی از علل تشدید مجازات، ارتکاب جرایم متعدد است. در مورد تعدد جرایم از یک نوع به موجب قسمت دوم ماده (۴۷) قانون مجازات اسلامی که مقرر داشته، «دادگاه می‌تواند مجازات را تشدید کند» با این عبارت که «تعدد جرم می‌تواند علل مشدد، کیفر باشد» در صورت احراز کیفیات مخففه در موارد تعدد جرم، قانونگذار اجازه داده است که دادگاه به تخفیف کیفر مبادرت ورزد؛ به موجب تبصره دوم از ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی: «در مورد تعدد جرم نیز دادگاه میتواند جهات مخففه را رعایت کند».

**پی‌نوشتها:**

- ۱- مجموعه دیدگاه‌های قضائی قضات دادگستری استان تهران، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۷۸، ص ۴۴.
- ۲- مجله دادرسی، شماره ۱۲، قسمت سوم مقالات.
- ۳- نظریات اداره حقوقی قوه قضائیه، جلد دوم، انتشارات روزنامه رسمی، تهران، ۱۳۷۵، صفحه ۲۶۳.
- ۴- مرجع پیشین، ص ۲۵۷.
- ۵- علی آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، ج ۲ انتشارات بانک ملی تهران، ۱۳۵۲، ص ۲۲۲.
- ۶- ک. شماره ۱۸ مجله دادرسی.

به صورتی غیر قابل گذشت شناخته شده‌اند ولی به هر حال رویه دادگاهها، جرایم مندرج در ماده (۷۲۷) قانون مجازات اسلامی را قابل گذشت دانسته است.

هرچند قانونگذار به جنبه عمومی برخی از جرایم، اهمیتی بیش از جنبه خصوصی قائل شده است اما گذشت شاکی خصوصی باعث راحتی وجدان قاضی می‌گردد؛ به نحوی که بعضی مواقع پس از گذشت او، قضات با توصیف زدایی از بزه ارتكابی و با استفاده از اختیارات خویش، رأی بر برائت صادر می‌نمایند. قاضی



**در مورد چگونگی تخفیف مجازاتها، رویه دادگاهها چنین است که با توجه به مجازات قانونی جرم، با رعایت ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی، مجازات مخفف تعیین می‌شود**

دادگاه با اعلام گذشت شاکی خصوصی، براحتمی می‌تواند نسبت به تطبیق مجازات با شخصیت مرتکب، از نظر جنبه عمومی جرم، اقدام کند.

**نقی تخفیف دوباره به موجب تبصره سوم از ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی.**

چنانچه نظیر جهات مخففه مذکور در این ماده در موارد خاصی پیش بینی شده باشد، دادگاه نمی‌تواند به موجب همان جهات دوباره مجازات را تخفیف دهد. همچنانکه که در ابتدای این مبحث نیز یادآور شدیم پاره‌ای اوقات قانونگذار در موارد خاصی، قاضی را مکلف یا مخیر به تخفیف می‌نماید، مانند تخفیف مندرج

**ایلام در آیین دادرسی**

وقف بر مقاصد غیر مشروع باطل است.  
**ماده ۶۶ قانون مدنی**  
 هرکس از اراضی موات و میباحه قسمتی را به قصد تملک اخیاء کند مالک آن قسمت می‌شود.  
**ماده ۱۴۳ قانون مدنی**  
 اگر کسی در ملک غیر، دینیه پیدا نماید باید به مالک اطلاع دهد اگر مالک زمین مدعی مالکیت دینیه شد و آن را ثابت کرد دینیه به مدعی مالکیت تعلق می‌گیرد.  
**ماده ۱۷۵ قانون مدنی**  
 مالی که در دریا غرق شده و مالک از آن اعراض کرده است مال کسی است که آن را بیرون بیاورد.  
**ماده ۱۷۸ قانون مدنی**  
 عقد بیع باید مقرون به رضای طرفین باشد و عقد مکره نافذ نیست.  
**ماده ۳۴۶ قانون مدنی**  
 وکیل نمی‌تواند عملی را که از حدود وکالت او خارج است انجام دهد.  
**ماده ۶۶۳ قانون مدنی**  
 هر مالی که قابل نقل و انتقال قانونی نیست نمی‌تواند مورد رهن واقع شود.  
**ماده ۷۷۳ قانون مدنی**  
 رهن نمی‌تواند در رهن تصرفی کند که